

گرچه، اغلب خدایان ایرانی به شکلی  
 اسطوره‌ای ترسیم می‌گردند، اما  
 اسطوره‌های توصیف‌گر آنها به نسبت  
 اندک است. هر چند ممکن است  
 خدایان ایرانی به شکل انسان  
 توصیف شوند، مثل خدایان گردونه  
 سواری که بر گردونه‌هایی سوارند  
 که با اسبان بی‌برگ کشیده می‌شوند  
 اما به محض بررسی دقیق‌تر این  
 توصیف‌های انسان‌گونه از خدایان  
 اشکال انسانی آنها ناپدید می‌گردد



آسمان مرتبط است و از آنجا تمامی جهان را دربر گرفته است. ریشه‌های این کوه کیهانی در زیر زمین پهن شده و آن را یکپارچه نگاه می‌دارد و تمامی دیگر کوه‌های جهان از این ریشه‌ها روئیده‌اند. کوه تیره قله البرز است و پل چینوت از آنجا به آسمان می‌رود. همان پلی که کلیه ارواح می‌باید در طی طریق خود به سوی بهشت یا دوزخ از آن گذر کنند. خط‌الراس آرزو در حاشیه البرز کوه، دروازه ورود به دوزخ یعنی همان‌جا که اهریمنان در آن به گفت‌وگو مشغولند می‌باشد. روح پلید با رخنه به داخل زمین کل کائنات را به لرزه درآورد و به همین علت بود که ماه، خورشید و دیگر صور فلکی را تکان داده به گردش در پیرامون زمین درآورده است؛ حرکتی که تا رستاخیز جهان ادامه خواهد یافت.

تیشتریه باران را ایجاد کرد و باد آن را به اقیانوس کیهانی، یا اقیانوس بی‌پایانی که در آن سوی کوه دماوند واقع است مبدل ساخت؛ اقیانوسی چنان بزرگ که یکصد دریاچه یا چشمه‌های آن‌هید را در خود جای داده است. دو درخت در این اقیانوس قرار دارد: درخت کوکرنه یا هوم سفید که بشر در رستاخیز جهان از آن آب زندگی می‌ستانند و نیز درخت هزار دانه که دیگر درختها از آن خواهند روئید. بر شاخه‌های این درخت پرنده بزرگ سائنه (سن مرو یا سیمرغ ادوار بعد) می‌زید. وقتی این پرنده بال می‌زند شاخه‌های درخت هزار دانه را می‌شکند و این دانه‌ها را باد و باران در سرتاسر گیتی می‌پراکنند. طبعاً روح پلید درصدد نابودی این درخت زندگی بخش برآمد و سوسماری را آفرید تا بدان حمله برد. اما این درخت با ده «گر» یا «ماهی» که پیوسته گرد آن در حرکتند طوری که در هر زمان یکی از آنها سوسمار را زیر نظر دارد پاسداری می‌شود. وقتی اول بار باران به زمین رسید جهان را به هفت‌پاره تقسیم کرد. پاره مرکزی، خونیرث Khwanirath نیمی از کل توده خشکی

عنوان یکی دیگر از منابع شناخت اساطیر ایران اشاره شده است. همچنین به متون مقدس هند باستان یعنی وداها، به ویژه به مجموعه سرودهای موسوم به ریگ‌ودا و فایده آنها در شناخت اساطیر مشترک هند و ایرانی و فایده آنها در بازسازی محتاطانه کیش پیش از زرتشت ایران اشاره می‌شود. از جمله دیگر منابع شناخت اساطیر ایران، کتیبه‌های شاهان، گزارش‌های مؤلفان بیگانه و کلاسیک، آثار هنری، مسکوکات، نقش‌برجسته‌ها و سیر باستان‌شناسی ایران است که با وجود اطلاعات موسع، معرفی و مورد استفاده قرار گرفته است.

در اولین فصل کتاب تحت عنوان اساطیر باستانی ایران به تصویر جهان در نظر ایرانیان باستان اشاره می‌شود تا خواننده دریابد آنان جهان را گرد و مسطح همچون بشقاب می‌دانستند. در نظر آنان آسمان نه فضای بی‌پایان بلکه ماده‌ای سخت چون بلور بود که جهان را همچون پوسته‌ای در میان می‌گرفت. به باور ایرانیان باستان، جهان در وضعیت بی‌نقص اولیه مسطح بود و عاری از عوارضی چون کوه و تپه و ماه و خورشید و دیگر اجرام سماوی چنان‌که گویی در موقعیت نیمروز واقع شده‌اند بر فراز زمین ثابت بودند همه‌چیز آرام و متوازن بود. اما ورود روح پلید به گیتی این آرامش را بر هم زد. همین روح پلید بود که به آسمان‌ها رخنه و به اعماق دریاها نفوذ کرد و از آنجا راهی به مرکز زمین گشود و موجب لرزش آن و پیدایش کوه‌ها شد.

به اعتقاد آنان برترین کوه جهان البرز کوه بود که هشت هزار سال صرف زایش آن شد. دویست سال طول کشید تا به ستاره پایه رسید، دویست سال صرف رسیدن به ماه پایه شد، دویست سال دیگر برای رسیدن به خورشید پایه گذشت و دویست سال دیگر مصروف رسیدن به انتهای آسمان شد. بدین ترتیب کوه در سرتاسر جهان گسترده است در حالی که پایه آن با

# اساطیر ایران باستان

○ اساطیر ایرانی

○ هینلز، جان آر

○ ویرایش سوم، چانسلر پرس، ۱۹۹۷



مسیحیت، اسلام و آیین‌های بودایی و هندو ساخت.

کتاب حاضر به تمامی اساطیر

ایران از ادوار باستان و زرتشتی گرفته تا

بدعت زروانیان، مهرپرستی با خاستگاه

ایرانی آن و جایگاه اسطوره در زندگی سیاسی،

آیینی و شخصی ایرانیان می‌پردازد. مقدمه کتاب با ارائه

طرحی کلی از تاریخ ایران به معرفی خاستگاه‌ها و طبیعت اساطیر ایرانی اهتمام

داشته است. مقدمه ۱۶ صفحه‌ای کتاب شرحی اجمالی از تاریخ ایران،

خاستگاه‌های اسطوره و ماهیت آن است. استفاده از تصاویر رنگی و سیاه و سفید

آثار باستانی و تاریخی ایران زمین مطالب مقدمه را مؤکدتر و جالب‌تر ساخته

است. در اینجا به منابع کسب اطلاعات معتبر درباره اساطیر ایران همچون اوستا،

گات‌ها یا هفده سرود زرتشت؛ یسنا، مجموعه نیایش و ادعیه‌ای که در مراسم

قربانی زرتشتیان خوانده می‌شد، مثل، بیست و چهار یشت اوستا یا سرودهای

نیایش خدایان گوناگون که بسیاری از آنها ریشه در اساطیر پیش از زرتشت دارند،

و مهم‌ترین آنها یعنی یشت دهم که به نیایش میترا اختصاص یافته، اشاره شده

است. همین‌جا با منابع ادبی پارسی میانه یا پهلوی، از جمله بندهش، مجموعه

تراجم اوستا راجع به آفرینش، ماهیت و هدف آن، دینکرد که خلاصه‌ای است از

مطالب اوستا، الهیات و بیم و امیدهای زرتشتیان در برابر حکومت اسلامی و در

عین حال اساطیر پیش از زرتشت ایران آشنا می‌شویم. به شاهنامه فردوسی به

اساطیر و افسانه‌ها در همه

جای جهان دیده می‌شود و آغاز و

سرانجام آنها در داستان تکامل

بنی آدم جایگاهی ویژه دارد. برخی از این

اساطیر تجسم توضیحات قدیم بشر درباره

جهانی است که در آن می‌زیست، نیروهایی که بر

زندگی او حاکم بود و نیز نمایانگر نیاز به دلیل‌تراشی برای نیک

و بدهایی بود که دچار آنها می‌گردید. بسیاری از این نیروها شناسایی یافته نام و

شخصیت گرفتند که این خود گام اول در طریق شکل بخشیدن به اعتقادات در

مراسم آیینی و مذاهب است. هم از این‌رو مجمع الکوکیب از خدایان، شیاطین،

قهرمانان و جانوران مهیب پدیدار شدند، با همان درجه از تنوع موجود در جوامع

خاستگاه خود و جذابیتی که در اعمال آنها وجود داشت. اساطیر مینای

متعالی‌ترین و برترین اندیشه‌ها در هنر و دین بوده است. ایران باستان نیز به

سهم خود دریایی است از فرهنگ عامه و اسطوره؛ به صلابتی تمامی تمدن ایران

زمین. کهن‌ترین اساطیر ایران باستان راجع به باران و طوفان، خدایان مراسم

آیینی و کشندگان ازدها بود. آیین زرتشت این روایات اساطیری کهن را گردآورده

به شرح و تفسیر آنها پرداخت. دین زرتشت به مدت بیش از هزار و صد سال دین

رسمی امپراتوری‌هایی بود که یکی پس از دیگری بر پهنه ایران زمین، از شمال

هند گرفته تا دریای مدیترانه فرمانروایی کردند. همین امر دین زرتشت را به یکی

از بزرگترین مذاهب طول تاریخ و منشاء تأثیراتی گسترده بر ادیانی چون یهودیت،



ناتوانی او را علت این است که انسان‌ها آن‌طور که باید دعا و نیاز نثار او نکرده‌اند. در آن هنگام پروردگار خود قربانی‌ای تقدیم تیشتریه کرد و این الهه قدرت ده اسب ده شتر، ده گاو، ده کوه و ده رود را پیدا کرد و بار دیگر با سم‌های خود به جنگ اپوشه رفت اما این بار با پشت‌گرمی به قدرت قربانی پیروز شد و آب‌ها به سوی دشت‌ها و مراتع خشک سرازیر شدند. روایت بندهش درباره ماهیت تیشتریه با سرود فوق تفاوت دارد. در بندهش تیشتریه، خاستگاه اولیه دریاچه‌ها و دریاهاست در حالی که در یشت مورد بحث بیشتر تأکید بر تیشتریه به عنوان سرچشمه مداوم آب در چرخه‌های سالانه، بخشنده اولاد، شکست‌دهنده جادوگران، خدای ستارگان و حامی سرزمین‌های آریایی معرفی شده است. اسطوره نبرد تیشتریه با آپانوشه نمایانگر نگرش پارسیان به آیین‌ها و اعتقاد آنها به تقویت خدایان از طریق تقدیم قربانی است. در اساطیر ایرانی الهه اردوی سورا آناهیتا، خدای نیرومند آب‌های پاکیزه است. آناهیتا منشأ باروری، پاک‌کننده تخمه همه مردان، تقدیس‌کننده رحم مادران و

انتزاعی دارد و بیانگر نیروی مهاجم و غیرقابل مقاومت پیروزی است. در سرودی که به وی اختصاص یافته، یشت چهاردهم، صحبت از تناسخ و دگرسانی این خداست طوری که ده حالت به خود می‌گیرد: در آغاز باد نیرومند است و در پایان مردی با شمشیری زرین در دست. درباره خدایان پارسیان چون هاوما و آذر (آتش مقدس) و اساطیر آنها نیز مطالبی دلکش و خواندنی وجود دارد.

نهایت اینکه در باور ایرانیان، خدایان نه موجوداتی بعید بلکه قدرت‌هایی هستند که امکان روبه‌رو شدن بی‌واسطه با آنها وجود دارد. اوصاف اساطیری آذر و هاوما (سومای هندیان) نمایانگر تفاوت فراوان مفاهیم این خدایان در شرق و غرب است و گرچه در مورد این دو خدا نیز اساطیری وجود دارد و تصویری انسان‌وار از آنان ارائه می‌شود هیچ‌گاه بدان صورت که یونانیان زئوس و یهودیان یهوه را تنایش می‌دهند نیستند. نویسنده معتقد است شباهت‌هایی که میان افکار پارسیان و مسیحیان مشاهده می‌شود نباید



زنان خاتم علوم انسانی

پالاینده شیر در پستان آنان است. او از ماوای آسمانی خویش سرمنشأ اقیانوس کیهانی است، سوار بر گردونه‌ای که چهار اسب باد، باران، ابرو برف‌دانه آن را می‌کشند. از آنجا که آناهیتا خدای زندگی‌بخش دانسته شده جنگاوران به هنگام نبرد به نیایش و طلب پیروزی از وی می‌پردازند. آناهیتا بلندقامت است و زیبا و تاجی با هشت اشعه و صدها ستاره بر سر، جبه‌ای زرین بر تن و گردنبنندی از رز به گردن زیبای خود دارد. از دیرباز استفاده از پیکره‌های آناهیتا در نیایش این الهه رایج بوده است. به گفته بروسوس مورخ یونانی، ارشیر ملقب به خوش حافظه، شاهنشاه ایران دستور داده بود تندیس‌های آناهیتا در بابل، دمشق، هگمتانه، سارد و شوش بر پا گردد. آناهیتا در سرزمین‌های دیگر چون ارمنستان و آناتولی پرستشگاه‌های فراوان داشت هر چند اساطیر ایرانی در مورد این الهه و آیین‌های پرستش او به نسبت دیگر سرزمین‌های واقع در غرب ایران بسیار نجیبانه و آکنده از پاکدامنی است. در حالی که وایو و تیشتریه با پدیده‌های طبیعی ارتباط دارند و آناهیتا به شکل شخصیتی مهربان مجسم می‌شود ورتزغنه، یا خدای پیروزی حالتی

غربیان را به اشتباه اندازه‌د. زیرا به نظر وی جهان اساطیر ایرانی یکسره با عالم مسیحی متفاوت است و نباید با عینک‌هایی که رنگ مسیحیت گرفته به آنها نگریم.

فصل دوم کتاب به اساطیر زرتشتی، نبرد خدایان و اهریمنان، نیروهای نیک، نیروهای بد، اسطوره آفرینش، اولین اولیاء انسان، خدا و انسان، اسطوره پایان جهان و دوری نهایی جهانی اختصاص یافته است. مباحثی چون زروانیت همچون بدعتی در کیش زرتشت، اساطیر میتراپی، اسطوره‌های گرد زرتشت پیامبر، اسطوره و شاه، اسطوره به صورت تفسیر تاریخ، بازسازی تاریخ به کمک اسطوره، اسطوره، آیین‌ها و نمادها، آیین‌های تدفین پارسیان، آیین‌های آتش، هاوما، آیین قربانی، فهم اسطوره و آیین‌های پارسیان در گذشته و حال و انس صفحات کتاب را از آن خود ساخته است. نمایه موضوعی، فهرست اختصارات، نقشه تاریخی ایران، عکس‌های جالب رنگی و سیاه و سفید با توضیحات عالمانه در باره محل‌های باستانی و تاریخی و اجرای آیین‌های زرتشتیان ایران و هند از دیگر امتیازات کتاب است.

در باور ایرانیان، خدایان نه  
 موجوداتی بعید بلکه  
 قدرت‌هایی هستند که امکان  
 روبه‌رو شدن بی‌واسطه با  
 آنها وجود دارد. اوصاف  
 اساطیری آن‌رو هاوما (سومای  
 هندیان) نمایانگر تفاوت فراوان  
 مفاهیم این خدایان در شرق و  
 غرب است و گرچه در مورد  
 این دو خدا نیز اساطیری  
 وجود دارد و تصاویری  
 انسان‌وار از آنان ارائه  
 می‌شود هیچ‌گاه بدان صورت  
 که یونانیان زئوس و یهودیان  
 یهوه را تثائیش می‌دهند نیستند



و مرگ در طوفان که یکی از مرموزترین خدایان هند و ایرانی  
 شمرده شده است. در متون هندی خدای باد از نفس غول جهان  
 که عالم از بدن او ساخته شده می‌آید و وایته نام دارد. در اساطیر ایرانی  
 نیز باد خدایی بزرگ و در عین حال مرموز است. هم پروردگار (اهورامزدا) و  
 هم اهریمن انگره مینو به پیش‌کش قربانی به وی می‌پردازند. خدای باد  
 دعاهای پروردگار را اجابت می‌کند اما خواسته‌های پلید اهریمن اجابت  
 نمی‌شود. انسان‌ها نیز خدای باد را به یاری می‌طلبند به ویژه در خطرات بزرگ  
 زیرا او خدای پر ابهت و تنومند جنگ است که به تعقیب دشمنان می‌پردازد تا  
 روح پلید را نابود و آفریده‌های شریف اهورامزدا را نگاهداری کند. در حالی که  
 اهورامزدا بر نور حکم می‌راند و انگره مینو بر ظلمت، خدای باد بر فضای میان  
 این دو یعنی خلأ حاکم است. این خدا به نوعی خنثی است زیرا در آن واحد  
 هم خوب است و هم بد.

تیشتریه، خدای باران، یکی دیگر از شخصیت‌های مرتبط با پدیده طبیعی  
 باران است هر چند هیچ‌گونه پندار ثنوی در ماهیت این خدا وجود ندارد. خدای  
 باران نیرویی است بخشنده درگیر در نبرد کیهانی با دیو خشکسالی یعنی  
 آپوشه. تیشتریه «ستاره درخشان باشکوه است، اولین ستاره تخمه آب‌ها،  
 جایگاه باران و باروری. چهارمین ماه سال، تیرماه، از آن تیشتریاست. ایرانیان  
 باستان عقیده داشتند تیشتریه در دهه اول تیرماه به شکل جوانی پانزده ساله  
 که نزد آنان بهترین سن است درمی‌آید؛ در دهه دوم شکل گاو نر را به خود  
 می‌گیرد و در دهه سوم به هیئت اسب درمی‌آید. براساس بندش این  
 تیشتریه است که به این اشکال، آب و سرآغاز آفرینش را ایجاد کرده است. هر  
 قطره بارانی که او به وجود آورد به بزرگی یک پیاله شد طوری که زمین را آب  
 به قد یک انسان پوشاند. موجودات موذی مجبور شدند به سوراخ‌های زمین  
 فرو روند و روح باد آنها را در نهایت زمین پراکنده ساخت و از این طریق  
 اقیانوس کیهانی شکل گرفت. طبق یکی از سروده‌هایی که پیش‌کش  
 تیشتریه شده است این خدا به شکل اسبی سفید و زیبا با گوش‌ها و دهنه زرین  
 پای به اقیانوس کیهانی گذارد و در آنجا به جنگ با دیو خشکسالی، آپوشه که  
 به شکل اسبی سیاه درآمده بود پرداخت. در پایان نبردی جانانه که سه روز به  
 درازا کشید تیشتریه از شدت اندوه و درماندگی به درگاه اهورامزدا ناله کرد که

زمین را تشکیل می‌دهد و شش  
 قسمت دیگر که گرد آنرا گرفته‌اند  
 کشور نام گرفته‌اند. انسان‌ها نمی‌توانستند از  
 کشوری به کشور دیگر روند مگر اینکه بر گاو بهشتی سری  
 شوک یا هنریوش سوار شوند. گوپت شاه عادل که نیم انسان و نیم گاو است  
 به دقت مراقب این گاو بهشتی است زیرا این گاو آخرین حیوانی است که  
 می‌بایست به هنگام رستاخیز و بی‌مرگ شدن انسان‌ها قربانی شود.

هرودت می‌گوید ساخت مجسمه، معبد و قربانگاه نزد ایرانیان باستان  
 مرسوم نیست و هر که چنین کند ابله دانسته می‌شود زیرا خدای آنها،  
 اهورامزدا، خلاف زئوس یونانیان شکل بشری ندارد بلکه اهورامزدا نظام  
 دینی پارسیان خود دایره همه افلاک است و از فراز کوه‌ها قربانی‌ها را  
 پیش‌کش او می‌کنند. آنها خورشید، ماه، زمین، آتش، آب و باد را که تنها  
 خدایان اصیل‌اند پرستش می‌کنند. قربانگاه‌های آنها نه در معابد بلکه بر چکاد  
 کوه‌ها یافت می‌شود. گرچه، اغلب خدایان ایرانی به شکلی اسطوره‌ای ترسیم  
 می‌گردند، اما اسطوره‌های توصیف‌گر آنها به نسبت اندک است. هر چند  
 ممکن است خدایان ایرانی به شکل انسان توصیف شوند، مثل خدایان گردونه  
 سواری که بر گردونه‌هایی سوارند که با اسبان بی‌برگ کشیده می‌شوند اما به  
 محض بررسی دقیق‌تر این توصیف‌های انسان‌گونه از خدایان اشکال انسانی  
 آنها ناپدید می‌گردد. به عنوان مثال میترا خدای بزرگ ایران باستان صاحب  
 هزار چشم دانسته می‌شد. نمادی برجسته نمایانگر این اعتقاد که نمی‌توان  
 خطا را از خداوند مخفی کرد و عقوبت و تبعات خطا ناگزیر است.

بسیاری از محققان عقیده دارند جامعه هند و اروپایی به سه طبقه  
 فرمانروایان، جنگاوران و کشاورزان تقسیم می‌شد و خدایان نیز تقسیم‌بندی  
 مشابهی داشتند. این نظریه ساختار سه وجهی جامعه بشری و خدایان مفتاح  
 بسیاری از معضلات اسطوره‌های باستانی ایران دانسته شده و گرچه  
 زیاده‌روی‌هایی صورت گرفته بعید نیست سلسله مراتب خدایان ایران باستان  
 نیز بر طبق الگویی بشری شکل گرفته باشد.

از میان خدایان پرشمار اساطیر باستانی ایران تنها خدایان هند و اروپایی  
 و خدایان بومی ایران معرفی شده‌اند: وایو، باد خدای زندگی‌بخش در ابر باران‌زا